

« سند شماره ۱ »

اصول و عقاید

حزب ایران

نشریه شماره ۴

دموکراسی و استقلال

چاپ اول دیماه ۱۳۲۶

چاپ دوم ۱۳۳۱

چاپ سوم تیرماه ۱۳۴۱

حکومت خوب حکومتی است که حصول سعادت را برای افراد میسر ساخته جامعه را بترقی سوق دهد.

سعادت بشر در رسیدن به «خواستہ» های خود است، سعادت‌مند کسی است که در راه نیل به آرزوهایش قدم برمیدارد.

علاقه ما بخواستہ های خود شدت و ضعف دارد چیزهایی هست که بشدت می‌خواهیم و نرسیدن به آنها هستی ما را در خطر می‌اندازد، خواسته‌هایی داریم که بدون رنجش خاطر و بروز افسردگی و اندوه از حصولشان صرف نظر نمی‌کنیم و سرانجام خیلی از خواسته‌ها را هم بسهولت کنار می‌گذاریم.

هیچکس واقف بتمام خواسته‌های دیگران نیست.

هیچکس نمی‌داند دیگری چه می‌خواهد، بر توانایی و خصوصیات شخصی یک فرد، کسی آگاه‌تر از خود آن فرد نمی‌باشد. هر فردی خود میداند چه می‌خواهد، خود میداند چه وسایلی برای حصول خواسته‌های خود دارد و بیشتر از تمام افراد بشر بخوشبختی خود علاقمند است هیچ فرد یا دسته نمی‌تواند خواسته‌های دیگری را تقریر کرده و یا انجام آنها را بعهده گیرد. پس روزی فرد انسانی سعادت‌مند خواهد بود که سرنوشتش در دست خودش باشد و غیر او بر او حکومت نکند.

بشر حیوانی است اجتماعی و خواهی‌خواهی دسته‌های کوچک و بزرگ آدمیان با هم زندگی میکنند سرنوشتشان بهم بستگی دارد و هر قدر سطح تمدن بالا میرود این بهم بستگی شدیدتر و دامنه دارتر میگردد، بنابراین تحقق خواسته‌های انفرادی بدون توافق بین آنها میسر نیست. باید خواسته‌های یک فرد خواسته‌های دیگری را پایمال نکند و بعلاوه برخلاف جهت سیر تکامل اجتماع که موجب ترقی عموم و در نتیجه منشاء لذات بالاتری است، نباشد. پس دیگران هم باید حکومت کنند یعنی در حکومت بر مردم، برای سعادت مردم، تمام مردم شریک باشند حکومت مردم بر مردم را دموکراسی مینامند و از این جهت است که ما بهترین طرز حکومت، حکومتی را میدانیم که براساس دموکراسی مستقر و رای اجتماع در اداره کشور حاکم باشد.

حزب ایران با دیکتاتوری افراد و اقلیت ها که خواسته های اکثریت را فدای خواسته های یک فرد یا یک اقلیت میسازند مخالف بوده و چون « شخص آدمی » و مقام آدمیت را محترم و عزیز می‌شمارد، دیکتاتوری اکثریت را نیز که مانع تقریر خواسته های اقلیت است مجاز نمیداند.

دموکراسی نتیجه طبیعی تمایلات افراد هر جامعه می‌باشد و از اینجهت است که ملل دنیا یکی بعد از دیگری با اقدامات شدید که غالباً منجر به انقلابات خونین شده حکومت خود را بدین صورت درآورده اند. اگر در بعضی از ممالک دموکراسی نتایج خوبی نداشته علت آنرا باید در طرز اجرای دموکراسی جستجو کرد و نه در اصل آن. باید بکوشیم تا دموکراسی ایران بطور صحیح اجرا گردد.

اگر حکومت دموکراتیک در نتیجه علاقه آدمیان بحصول خواسته های خود بر دنیا تحمیل شده است پس باید مقررات، سازمانها و طرز اجرای آن طوری باشد که بطور تحقیق تمام افراد جامعه بتوانند خواسته های خود را تا آنجا که ممکن است عملی سازند.

باید روابط افراد با یکدیگر و با جامعه طوری تنظیم شود که خواسته های دسته ای سد راه خواسته های دیگران و بضرر جامعه نباشد. خواسته های هر فردی امر شخصی آن فرد است هیچکس حق ندارد در آرزوهایش مداخله کند هیچکس مثل خود فرد نمیتواند خواسته هایش را عملی سازد پس فرد باید در تقریر خواسته های خود و در اتخاذ راه حصول آنها آزاد باشد. اگر **سعادت حق بشر است آزادی جستجوی سعادت هم حق بشر است.**

بشر باید آزاد باشد که هر چه «میخواهد» بخواهد، باید آزاد باشد که آنچه «میخواهد» بیان کند، در راه آنچه که «میخواهد» آزادانه تلاش نماید هر چه مورد علاقه اش است (چه آنچه مربوط بسعادت او است و چه آنچه در نتیجه سعادت مند کردن هموعان، مایه لذت او است) باید بتواند آزادانه بگوید و بکند. آزادی فکر، آزادی بیان، آزادی عمل، شروط اولیه برای حصول سعادت بشر می‌باشد.

ولی آزادی فرد باید مخل آزادی دیگران نباشد خواهی نخواهی تمام افراد جامعه باید قسمتی از آزادی خود را فدای آزادی سایرین نمایند پس آزادی فردی بالاجبار دچار محدودیتهایی خواهد شد

که برای سعادت جامعه بطور کلی و در نتیجه برای سعادت خود فرد هم لازمست. آزادی مطلق با زندگی اجتماعی عملی نیست سعادت افراد جامعه وجود محدودیتهایی را ایجاب مینماید ولی بدبختانه این حقیقت غالباً مورد سوءاستفاده قرار گرفته و به اسم اینکه آزادی مطلق غیر عملی و غیرمنطقی است دشمنان آزادی ملل بسلب آزادی جامعه ها صورت قانونی میدهند. باید کاملاً متوجه بود که وجود محدودیتهای و قیود بر آزادی برای تأمین و تعمیم آزادی است، فقط محدودیتی قابل قبول میباشد که بشر را از آزادی هایی که برای خوشبختی اش لازم است محروم نسازد.

روش و قیافه حقیقی هر حکومت را از محدودیتهایی که بر آزادی قائل میشوند بخوبی میتوان درک نمود.

اگر حکومتی (عنوان ظاهرش هر چه میخواهد باشد) هرزه درائی و انتشار خرافات را آزاد گذارده و انتشار عقاید سیاسی و فلسفی را محدود نمود این حکومت دشمن ملت خود است چه انتشارات اولی بضرر و دومی بنفع آن میباشد.

اگر حکومتی پدران را در فرستادن اولاد خود به مدرسه آزاد گذاشت و در ضمن مدارس کافی ایجاد نمود چنین حکومت درحقیقت آزادی نافع را محدود کرده است چه آنکه نميخواهد فرزندش خواندن و نوشتن بیاموزد بمقصود خود رسیده است ولی آنکه علاقمند بتربیت فرزندان خود است وسیله انجام خواسته های خود را ندارد.

آری آزادی بدون قید و محدودیت میسر نیست ولی در حکومت دموکراتیک حقیقی، محدودیتهای برای منافع افراد و جامعه میباشد.

صرف برسمیت شناختن آزادی، صرف قانونی کردن آزادی، آزادی ایجاد نمیکند در راه آزادی بشر موانع بیشمار موجود است قسمتی از این موانع طبیعی و انهدام آنها بسهولت میسر نیست ولی هر مانعی که مصنوعاً بر سر راه آزادی آدمیان ایجاد شده باید برطرف گردد.

آنکه کور بدنیا میاید نمیتواند از تمام آزادیها برخوردار گردد و بدبختانه هیچ جامعه نمیتواند باین محروم طبیعی آزادی کامل بخشد ولی آنکه مانعی بر سر راهش نیست باید بتواند از آزادی کاملاً استفاده نماید در بعضی ممالک با وجود اینکه اسماً حکومت دموکراسی برقرار است و قانوناً تمام افراد با هم مساوی بوده مانعی در راه تعالی و ترقی خود ندارند ولی این تساوی اسمی بیش نیست از همانروز تولد، محیط اجتماعی عدم تساویهای بزرگی را ایجاد میکند برای عده محدودی

راه ترقی کاملاً باز است در صورتیکه بر عده کثیری زندگی بوضعی خشن و دهشتناک تحمیل می‌گردد.

البته خصوصیات توارثی، ظرفیت و توانائی، افراد را متفاوت دارد ولی حکومت دموکراتیک حقیقی آنست که بر این عدم تساوی طبیعی عدم تساوی مصنوعی اضافه نکرده وضعیت اقتصادی و سیاسی جامعه را طوری تنظیم کند که هیچ دسته عملاً از استفاده از آزادی محروم نگردند.

حکومت دموکراتیک حقیقی نمیتواند به همین تفویض آزادی اکتفا کند آزادی فرد را در کفش (در کف اش) نهاده بسرنوشت خود رهائش سازد بلکه باید محیطی ایجاد کند که فرد بتواند از این آزادی برای رسیدن به خواسته های خود استفاده کند هر کس بپنهانی میتواند به قسمتی از خواسته های خود برسد مشروط بر اینکه سالم بماند و نیروهای خود را پرورش دهد حکومت باید وسائل تندرستی و پرورش را در اختیار فرد بگذارد بهداشت و فرهنگ مملکت باید آماده و کافی برای سالم نگهداشتن و تربیت کردن تمام افراد جامعه باشد.

نیل بقسمتی از خواسته های آدمی بدون کمک دیگران میسر نیست روزی انسان میتواند بکمک دیگران امیدوار باشد که با کار خود، قادر بکمک کردن باشد پس حکومت دموکراتیک باید برای تمام افراد کار کردن را میسر سازد.

تضمین تندرستی، پرورش و کار از حقوق بشری بوده و در نتیجه تشکیل جامعه ایجاد میشود آنروزی که شخصی حاضر شد قسمتی از آزادیهای خود را بدیگران داده دسته ای از خواسته های خود را برای اینکه دیگران هم بآرزوی خود برسند کنار نهد آنروزی که حاضر شد بدیگران برای انجام خواسته هایشان کمک نماید این حقوق بر او مسلم می‌گردد. جامعه که حکومت میکند باید این حقوق را تأمین نماید.

نظری بطرز تقریر خواسته های بشری وظائف دیگر حکومت دموکراتیک را معین میکند. اگر ضروریات حیاتی بشر از طبیعت حیوانیش سرچشمه میگیرد نیازمندیهای آدمی زائیده آموخته های آدمی است منبع آموخته های ما هر چه می‌خواهد باشد (تاریخ، سرگذشت دیگران، کار و معلومات خودمان، محیط زندگی خود و یا محیط زندگی دیگران) از این منبع است که مصالح ساختن خانه آرزو را تهیه میکنیم آنکه هرگز اتومبیل ندیده هیچگاه آرزوی اتومبیل نمیکند آنکه

حدود معلوماتش کافی برای درک زیباییهای کلمات سعدی نیست. علاقه بخواندن گلستان ندارد آنکه جز نان خالی غذائی ندیده و نجشیده است بجز نان خالی طلب نخواهد کرد.

پس هر قدر آموخته های ما بیشتر باشد دامنه آرزوها وسیع تر و بطورکلی خواسته ها ظریف تر و لذیذتر است رسیدن بخواسته های فعلی، آدمی را سعادتمند میسازد ولی این سعادت و خوشبختی مناسب با آموخته های روز است و هر قدر دامنه آموخته ها وسیع تر گردد خوشبختی و سعادت از نوع بالاتر و ممتازتر و در نتیجه عمیق تر خواهد بود حکومت باید سطح آموخته های افراد را هر آن بالاتر برده تقریر خواسته های جدید و عالی تری را میسر سازد.

حکومت نباید به تهیه وسائل خوشبختی، که متناسب با وضع امروز است اکتفا کند بلکه باید بکوشد تا فرد را بخوشیهای که تمدن عالی بشر اجازه میدهد نائل سازد.

تهیه وسائل ترقی افراد و جامعه از وظائف حکومت است. حکومت، باید متریقی باشد و وسائل تکامل را برای تمام افراد مهیا سازد مخصوصاً که میل بتکامل یکی از بزرگترین و عالیترین خواسته های بشری است.

همینکه افراد جامعه تشکیل داده، حکومتی برای خود برگزیدند و تشکیل یک ملت دادند داشتن زبان مشترک، مذهب مشترک، تاریخ مشترک و بالاتر از همه فرهنگ و عادات و رسوم مشترک آرزوهائی ایجاد مینماید که مشترک تمام ملت بوده و مخصوص آن ملت است و هیچ ملت دیگری نباید سد راه نیل بآنها گردد.

فقط ایرانیان هستند و لاغیر که آرزومند بزرگی و عظمت ایران بوده از ذکر افتخارات گذشته ایران خوشحال میشوند فقط ایرانیان هستند که در روز اول فروردین میخواهند لباس نو بپوشند میخواهند در جشن و شادی باشند.

چون در طول سالها و قرنهای متمادی افرادی پدر در پدر با هم زندگی کرده در غم و شادی شریک بودند بلاهای آسمانی، سختیهای طبیعت و ستم ستمگران را مشترکاً تحمل کردند ملتی تشکیل میگردد که در میان ملل دیگر دارای خصوصیات معین بوده و بمنزله یک واحد مشخصی در جامعه بشریت خودنمائی میکند آرزوهائی مخصوص بخود دارد که برای نیل بآنها باید آزاد باشد و اگر این آزادی از او سلب شد از سعادت محروم شده است آزادی ملتها را استقلال مینامند. آزادی و استقلال معرف دو مظهر یک حقیقت اند و این حقیقت آزادی است. آزادی فرد را در ملت ها استقلال میگویند و از این جهت استقلال مانند آزادی برای سعادت افراد لازم بوده هر دو

حکومت دموکراتیک را نتیجه میدهند. اگر در جوامع تاریخ بشر حکومت‌های مستبد چندی پائیده اند، در عصر کنونی که آراء آزادیبخش انتشار و وسائل ارتباط فکری جوامع بشری تکامل یافته است دوام حکومت‌های مستبد بقیاس تاریخ ممتنع است.

آنجا که دموکراسی نیست، استقلال دوام نخواهد داشت، آنجا که استقلال نیست، حکومت دموکراتیک هرگز عملی نخواهد شد استقلال حکومت‌های غیر دموکراتیک پایدار نمیباشد. چه در چنین حکومتها ترقی و خوشبختی برای افراد موجود نبوده و این دو علت ملت را ناراضی و ضعیف نگاه میدارد جامعه که افراد آن ناراضی و ناتوان هستند استقلالش دستخوش هوی و هوس همسایه های قویتر است. هر دفعه که مورد تهاجم قرار گرفت قوای نظامیش بسهولت متلاشی میگردد و بر فرض هم که تهاجمی در بین نباشد عدم رضایت مردم طبقه حاکمه را همیشه تهدید میکند و حکومت که در داخل پشتیبانی ندارد برای فرمانفرمائی خود مجبور میشود که بخارجی تکیه کند و استقلال مملکت را فدای بقای فرمانفرمائی خود سازد. پس ملتی که حکومت دموکراتیک ندارد استقلال نخواهد داشت، از طرف دیگر ملتی که در تحت استیلای دولتهای خارجی است هیچگاه قادر نخواهد بود که حکومت خود را دموکراتیک سازد چه حکومت دموکراتیک در دنبال آرزوهای ملت خود میرود در صورتیکه وظیفه دولتهای غیرمستقل انجام اوامر و دستورات دولت خارجی است حکومتی که بر خارجی تکیه میکند منافع و آرزوهای خارجی را در نظر باید بگیرد و در اینصورت نمیتواند دموکراتیک باشد.

از این جهت است که حزب ایران که خواهان سعادت ایرانیان و عظمت ایران میباشد، **حفظ استقلال کامل کشور و پشتیبانی از اصول دموکراسی** را در سرلوحه مرام خود قرار داده است.

جاوید باد ایران